

گزارش

حزب اخراجی‌ها

گروه سیاست، مسعود کاظمی: از آن مردی که ظاهرا رفته، هر روز خبری جدید به گوش می‌رسد، زمستان سال گذشته بود که بهمین شریف‌زاده، از نزدیکان محمود احمدی‌نژاد، گفته بود اصولا رئیس دولت‌های نهم و دهم از سیاست نرفته است که بخواهد بازگردد. احمدی‌نژاد به شکلی عجیب و با یک ائتلاف به نام آبادگران در شورای شهر دوم به شهرداری تهران رسید و از آنجا بود که دیگر وارد سطح اول سیاست ایران شد. او در دوران هشت‌ساله ریاست خود بر دولت جمهوری اسلامی ایران هرچه فریاد داشت، بر سر احزاب و حزب‌گرایی کشید. اکنون و پس از دو سال از پایان عمر ریاستش بر پاستور و با نزدیک شدن به انتخابات مجلس دهم، فعالیتش بیشتر و بیشتر می‌شود، اما مقوله احمدی‌نژاد یک سوی داستان است.

او هم‌قطارانی داشت که از سال ۸۴ با او بودند. بعضی تاکنون کنار او مانده‌اند و بعضی دیگر در مقاطع مختلف دهه گذشته و به دلایل مختلف از او بریند. اسفندیار رحیم‌مشایی، یکی از بزرگ‌ترین دلایل جدایی یاران محمود بود. پس از ماجرای خانه‌نشینی ۱۱روزه احمدی‌نژاد هم شکاف رئیس دولت دهم با اصولگرایان به اوج خود رسید و بعضی دیگر از یارش بریند. حدود یک ماه پیش در روزنامه «شرق» نوشتیم جریان احمدی‌نژاد برای اصولگرایان به دو دسته تقسیم می‌شود: احمدی‌نژادی‌های خوب و بد. در آن مطلب آمده بود: «احمدی‌نژادی‌های خوب؛ کسانی که با آغاز فاصله‌گرفتن احمدی‌نژاد از اصولگرایان، با از سوی او طرد شدن یا خود عطای حضور در دولت دهم را به نقاشی بخشیدند. کامران باقری‌لنگرانی، حسین صفارهرندی، مهرداد بذریاش، پرویز فتحاح، مرتضی وحیددستجردی و… از این دسته هستند؛ کسانی که امتحان خود را در وفاداری نسبت به اصولگرایان پس داده و آن دوران طلایی دولت نهم را رقم زدند. حضور پرویز فتحاح در کمیته امداد، ظهور دوباره حسین صفارهرندی و مصعب پرشتاب مهرداد بذریاش از نظر جایگاه سیاسی می‌تواند نشانه این باشد که اصولگرایان به این گروه و نظریه فکر می‌کنند. به احتمال بسیار قوی بروز و ظهور این گروه به همین جا محدود نخواهد شد و در آینده شاهد حضور هر چه پیشتر این افراد خواهیم بود.» اکنون خبر حضور آنان در قالب یک حزب به گوش می‌رسد. «جماران» گزارش داده است جمعی از وزیران و معاونان رئیس دولت‌های نهم و دهم تصمیم گرفته‌اند مجموعه‌ای را با عنوان «جبهه یاران کارآمدی و تحول ایران اسلامی» که مخفف «یکتا» است تأسیس کنند. در همین زمینه عبدالرضا داوری که از یاران نزدیک احمدی‌نژاد است به جماران گفته «برای تأسیس این مجموعه هیچ نوع استمزاج و نظرقواشی از احمدی‌نژاد صورت نگرفته است و این موضوع اصولا به آقای احمدی‌نژاد با نزدیکان وی ارتباطی ندارد، در واقع این موضوع ابتکاری است که از طرف وزیران و معاون رئیس‌جمهور دولت قبل صورت گرفته است.»

حرکت با چراغ خاموش یا تنهای تنها

بنابر ادعای عبدالرضا داوری، این مجموعه از ۱۷ عضو سابق دولت تشکیل شده است که ریاست آن به عهده مصطفی محمدنجار، وزیر کشور دولت دهم است. داوری می‌گوید: «جدا ی از محمد نجار، دوستان دیگری مثل آقائان بزرگ‌قیمت‌منفرد، فریدون عباسی، مسعود زریفیان، حمیدرضا حاجی‌بابایی، کامران دانشجو، کامران باقری‌لنگرانی و… در این مجموعه حضور دارند. این موضوع را تأکید کنم افرادی که در این مجموعه هستند، اصلا با محمود احمدی‌نژاد در ارتباط نیستند و آقای زیفانان هم در مصاحبه‌ای که اخیرا انجماد داده حرف‌های تندی درباره آقای احمدی‌نژاد زده است.» البته بنابر اخباری که به خبرنگار «شرق» رسیده پرویز فتحاح و حسین صفارهرندی هم در بین این افراد هستند. محمود احمدی‌نژاد به علت اعتقاداتاشتن به تحزب در فعالیت سیاسی، تشکیلات منسجمی در اختیار ندارد. در دوران حضور در پاستور به او امکان را می‌داد که از امکانات دولت برای نیل به اهداف سیاسی خود بهره بگیرد، اما اکنون که دستش از آن امکانات کوتاه است، فعالیت‌های خود را با سفرهای استانی آغاز کرده و احتمالا در آینده نقش پررنگ‌تری بازی خواهد کرد. تأسیس حزب از سوی یاران دیروز او می‌تواند براساس دو رویکرد کاملا متفاوت باشد؛ احتمال اول همان است که داوری مدعی آن شده، به این معنا که عده‌ای از اطرافیان او نمی‌خواهند سرنوشت سیاسی خود را با احمدی‌نژاد گره زده و در ادامه هم شریک کارنامه گذشته و کش آینده رئیس سابق‌شان باشند. در این میان می‌توانند همان احمدی‌نژادی‌های خوب مورد وثوق اصولگرایان نام بگیرند، اما احتمال دومی هم وجود دارد که با توجه به خصوصیات احمدی‌نژاد اصلا بعید به نظر نمی‌رسد. او امروز نیاز به تشکیلات دارد. حزب یکتا می‌تواند بخشی از این فقدان را برای محمود جبران کند. احتمالا اگر امروز دوستان یکتای احمدی‌نژاد بخوانند به صورت علنی از نزدیکی خود با او سخن بگویند، از سوی اصولگرایان رانده خواهند شد، لذا فعلا تصمیم به حرکت با چراغ خاموش گرفته‌اند. در آینده نزدیک می‌توان به واقعیتی پی برد. البته شاید واقعیت جمعی از این دو احتمال هم باشد و این به نگاه و استراتژی اصولگرایان بستگی دارد.

شیخ ناطق بالاخره به قولی که سال ۷۶ داد عمل کرد. آن سال قرار بود جناح راست با انتخاب ناطق، راه هاشمی را ادامه دهند؛ اما حالا شیخ ناطق ناطق داره به تهایی‌ی راه هاشمی را می‌رود. دانستاشان شبیه به هم شده است. شیخ علی‌اکبر ناطق‌نوری و شیخ اکبر هاشمی‌رفسنجانی؛ زندگی سیاسی‌شان، تحولات فردی و دلخوری‌های‌شان شبیه هم شده. برای همین اظهارنظری این روزهای‌شان هم مشابه شده است. ناطق‌نوری سال ۷۶ قول داده بود راه هاشمی را برود. حوادث، مسیرهای‌شان را برای چندسال از هم جدا کرد. ناطق به شیخویت اردوگاه اصولگرایی رسید و هاشمی به سمت اصلاح‌طلبی کوچید. اما در ابتدای سال ۹۴ هر دو پیشوای آن زمان جناح راست از عقبه اصولگرای خود کنده‌اند. هاشمی که کاملا جدا شده و با اصلاح‌طلبی همکن شده است. ناطق اگرچه هنوز مردد در پیوستن به اردگاه اصلاح‌طلبی با ایستادن در میانه سیاست است؛ اما از مجموع کنش و گفتارش بعد از ۱۸ سال تقریبا می‌شود یقین حاصل کرد که ناطق دارد بی شیخ اکبر می‌رود.

هم ناطق و هم هاشمی این سال‌ها زیاد از تندروی و بداخلاقی وافراطی‌گری گلایه می‌کنند؛ اما چرا چنین شد؟ به‌نظر می‌رسد اتفاقات مشابهی در مسیر سیاست‌ورزی این دو رخ داده است؛ هردو روزگار طرشدگی را تجربه کرده‌اند. نکته مثبت دوره‌های تنهایی و طرد این است که سیاسیون را به فکر می‌برد. هاشمی و ناطق قطعا نمی‌توانسته‌اند جز با نقد مسیر سیاسی خود و جریانی که به آن تعلق داشتند، امروز در این نقطه قرار بگیرند. فرصت این نقد را قطعا تحولات و رخداد‌های سیاسی به آنها داد؛ اما بهره‌مندی از آن، قطعا یک انتخاب شخصی بوده است؛ فرضتی که برای کمتر سیاست‌مداری در میان‌سالی رخ می‌دهد. ناطق و هاشمی این شانس را داشتند که از این فرصت بهره گیرند.

بااین‌حال ضربه نهایی را نه رای‌نیاوردنش بلکه سال ۷۶ گفته بود که راه هاشمی را ادامه می‌دهد. این خواسته جناح راست هم بود؛ اگرچه سال‌ها بعد در تحلیل باخت انتخاباتی خود، آن را یک اشتباه خواندند. او خود را یک سیاست‌ورز عمل‌گرا توصیف می‌کرد که قرار نیست رفتاری انقلابی از او سر بزنند، برای همین، در آستانه انتخاب‌ات ۷۶ در گفت‌وگو با روزنامه «فرانکفورت آلکمانیه» خود را «سیاست‌مداری میانه‌رو» توصیف کرده و گفته بود در ایران تحت ریاست‌جمهوری او، کم‌اندوچی برای کشتن سلمان رشدی اعزام نمی‌شود. او پیش‌تر هم بارهاوایرها در قامت رئیس‌مجلس و در مقابله با جناح چپ که منتقد هاشمی آن زمان بودند، از سیاست‌های راست‌گرایانه هاشمی دفاع کرده بود. سال ۷۲ با دفاع از سیاست تعدیل اقتصادی گفته بود: «در هر کشوری که این سیاست توسط حکومت نظامی صورت می‌گیرد، منجر به شکست می‌شود؛ ولی ما انتخابات را در این شرایط برگزار کردیم و مردم فشار اقتصادی و تورم ناشی از تعدیل اقتصادی را به جان خریدند و تحمل کردند.» درحالی‌که مسیر سیاست‌ورزی ناطق‌نوری بعد از ناکامی سال ۷۶ این بوده که دیگر خود را در مظان هیچ انتخابی قرار ندهد ولی هاشمی‌رفسنجانی برعکس خود را در معرض انتخاب مدام مردم قرار داده است. در همه انتخابات مجلس خبرگان، دو انتخابات ریاست‌جمهوری و یک انتخابات مجلس شرکت کرده است. اتفاقات مشابه زندگی هاشمی و ناطق در این است که هر دو در زمانی که تصورش را هم نمی‌کردند، کنار رفتند و یاران قبلی به آنها بی‌اقبال شدند آن هم درحالی‌که از پایگاه سیاسی و آینده جایگاه خود مطمئن بودند. تغییر در سمت‌وسوی سیاست‌ورزی آنها از همان جا آغاز شد.

درنگ ۷۶

برای ناطق‌نوری اگرچه ناکامی در ۷۶ شوک سنگینی بود ولی او حتما درباره دلایل رای‌نیاوردن خود زیاد فکر کرده است. در یک مصاحبه به مسئله اصولگرایی خود و جناحش اشاره کرده و گفته بود: «ما خیلی توجه به جو جامعه و جوانان و این‌طور مسائل نداشتیم، مثلا در میگرد انتخاباتی تلویزیون از من سؤال شد در مجلس برای بخش فرهنگ چه کاری کردید؟ من به قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره اشاره کردم و این را من اختراعات خود می‌دانم، خب این حرف که رای نمی‌آورد، این حرف رای آدم را خراب می‌کند.» ناطق حتما بعدا به جنبه‌های بیشتری از دلایل رای‌نیاوردنش و خیلی مسائل دیگر، حتی وضعیت روحانیون و جایگاهشان در جامعه و انتظار مردم از آنها، اینها را می‌توان به‌نوعی انتقاد از خود در نظرشید کرد؛ و وقتی او از شورش ماهانگی اعلام کرده می‌گوید و اینکه مردم از روحانیون توقع دارند: «چندسال قبل به خدمت مراجع رسیدیم، خدمت آیت‌الله مکارم عرض کردم به ذهن من می‌رسد که سطح حوزه و سطح معلومات طلبه‌ها بسیار پایین آمده است.» این سخنان ناطق شبیه سخنان اخیر هاشمی‌رفسنجانی است که

سیاست



مروری بر گذشته و حال هاشمی‌رفسنجانی و ناطق‌نوری

سرنوشت دو «اکبر»

مهسا جزینی

پایگاه اطلاع‌رسانی او از حاشیه‌ی یکی از دیدارهای او منتشر کرده است: «نمی‌شود با معلومات عمومی حکم اسلامی داد. نمی‌شود به‌عنوان اجتهاد احمدی‌نژاد هم نگاه نکنید. مردم هم بگویند چشم! اگر می‌خواهید مردم به حرفمان گوش کنند باید اجتهاد علمی کنیم. فقه تخصصی برای رشته‌های خاص. همان موقع از قم و مشهد هیچ‌کس مخالفت نکرد. اعلام کردند ما مشکلی نداریم. ولی هیچ‌کاری هم نکردند…»!

بااین‌حال ضربه نهایی را نه رای‌نیاوردنش بلکه اردوگاه اصولگرایی به او زد. شوک او از رای‌نیاوردنش کافی نبود که تحلیل‌های دوستان جناح راست هم زخم او را تازه می‌کرد. وقتی قرار بود فهرست اصولگرایان مجلس ششم را ببینند، ناطق حضور نداشت، بادمچیان هم بعدا درباره انتخابات ۷۶ گفته بود: «باید یک چهره جدیدی می‌آوردیم…» آنها از اینکه از کسی حمایت کرده بودند که خودش را در مسیر هاشمی تعریف کرده بود، احساس غبن می‌کردند. این نقدها به گوش ناطق نمی‌رسید؟ قطعا می‌رسید. اما برای اصولگرایان، ناطق تقریبا مهره سوخته بود. ناطق اما هنوز امیدوار بود که برای انتخابات ۸۴ تلاشش را کرد در مقام شیخویت می‌توانایی‌های خودش را به اثبات برساند و هم گزینه مناسب مورد اجماعی را معرفی کند؛ چنین نشد. تقدیر چنان بود که مسیر آینده این دو شیخ را همان انتخابات سال ۸۴ رقم بزند. درحالی‌که ابتدا اصولگرایان گوشه چشمی هم به هاشمی داشتند و او در کنار ولایتی و لاریجانی یکی از گزینه‌های محتمل جناح راست در آن زمان بود، اما در نهایت هاشمی که برای خود «دوره‌ای بیش از دیگران قائل بود، حاضر به رقابت درون جناحی نشد. هاشمی جدا آمد و شورای هماهنگی نیروهای انقلاب سراغ نامزدهای خود رفت. پایان انتخابات، اما جنبش نیروها تغییر کرده بود. هاشمی در کنار اصلاح‌طلبان قرار داشت. اصولگرایان در کنار احمدی‌نژاد و ناطق هم تنها. توصیف خودش این بود: «از این به بعد در سیاست تنها عمل می‌کنم.»

تجربه انتخابات ریاست‌جمهوری سال۸۴ برای شورای هماهنگی نیروهای انقلاب با شیخویت ناطق‌نوری موفق نبود. باوجود تجربه موفق انتخابات مجلس هفتم با نزدیک شدن زمان انتخابات ریاست‌جمهوری، اختلافات میان گروه‌های جناح راست افزایش یافت. شورای هماهنگی علی‌لاریجانی، رئیس اسبق صداوسیما را به‌عنوان کاندیدای اصلی معرفی کرد که البته با تمکین نکردن بقیه کاندیداها عملا منجر به پاشیدگی نسبی شورای هماهنگی شد.

آغاز سکوت

پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ناطق‌نوری از ریاست‌شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی کنار کشید و ترجیح داد سکوت پیشه کند تا به قول خویش اوضاع کمی آرام شود. نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری اگرچه در نهایت به سود اصولگرایان به پایان رسید، ولی شخصی در آن پیروز شد که چند ماه پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری و در زمستان سال ۱۳۸۳ در نامه‌ی رسماً انصراف خود را از شورای هماهنگی اعلام کرده بود. کسی که در شورای هماهنگی رای نیاورده بود و بعدا ناطق درباره‌اش گفت: «طرح‌هایش فضایی بود.» حالا می‌شد فهمید چرا ناطق تصمیم گرفت در سیاست تنها عمل کند. ناطق‌نوری در انتخابات خبرگان هم شرکت نکرد و در پاسخ به این سؤال که آیا حضورنیاختنش در

رفتار انتخاباتی احمدی‌نژاد و حمایت‌های یاران پیشین از او متفاوت بود. تکلیف هاشمی تقریبا در چهارسال دوم مشخص‌تر بود. او خیلی وقت بود که دیگر جایگاه خاصی در جناح راست نداشت. نگاه اصلاح‌طلبی هم نسبت به او از سال‌های اول دولت اصلاحات دچار چرخش شده بود. حالا او کاملا در اردوگاه اصلاح‌طلبی تعریف می‌شد و شاید برای همین راحت‌تر می‌توانست به وضع موجود اعتراض کند. نامه‌اش به مقام‌عظم رهبری و درخواستش از صداوسیما برای پاسخ‌دادن، در همین راستا بود. ناطق هنوز برای اعتراض معذب بود و گلايه‌اش را در سکوت و ترک جلسات جامعه روحانیت مبارز نشان داد؛ سکوتی که به گفته فردنزش، سخت‌ترین دوران زندگی ناطق را رقم زد.

هاشمی و ناطق شباهت‌های دیگری هم دارند. برادر ناطق که از ابتدای انقلاب در همه ادوار مجلس حضور داشت و خودش به طنز گفته بود: «کت من روی چوب‌لباسی مجلس آویزان است…»، بعد از مناظره انتخاباتی سال ۸۸ از ورود به انتخابات مجلس نهم بازماند. تحلیل این بود که راه‌نیافتن او متأثر از همان مناظره بوده است. این اتفاقی بود که پیش‌تر برای فائزه هاشمی در انتخابات مجلس ششم افتاده بود. متأثر از بی‌اقتالی فضای سیاسی به پدر، فائزه درحالی که در مجلس پنجم نفر دوم تهران شده بود، نتوانست به مجلس بعدی راه یابد. فائزه هاشمی و احمد ناطق‌نوری در یک مورد دیگر هم مشابهند. فائزه زمانی رئیس فدراسیون ورزش زنان بود و احمد ناطق‌نوری هم رئیس فدراسیون بوکس است. این فدراسیون بعد از انقلاب تعطیل شده بود، اما از سال ۶۸ با مدیریت برادر ناطق دوباره احیا شد. حضور فائزه هم در ورزش زنان، حاشیه‌های زیادی در زمان خود به‌ویژه از سوی محافظه‌کاران به‌دنبال داشت و خرداد سال ۹۰ به دفتر این ساختمان حمله شد و نهایتا فدراسیون تعطیل شد.

تلافی بخش ۲

مسیری که این دو طی کردند در انتخابات ۹۲ بیش از پیش با هم تلاقی داشت. رقیب نامزد اصلاح‌طلبان در انتخابات سال۷۶ به‌اضافه سلف خود حلا این پتانسیل را داشتند که تبدیل به نامزد انتخاباتی خود اصلاح‌طلبان شوند. رقبا یکی شده بودند. ناطق، هاشمی و خاتمی از جمله گزینه‌هایی بودند که اصلاح‌طلبان بیشترین اجماع را روی آنها داشتند.

بعد از انتخابات ۹۲ هم، هاشمی اول پست مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص را به ناطق پیشنهاد کرد که نپذیرفت. ناطق در پاسخ گفت: «هاشمی‌رفسنجانی برای بنده عزیز و قابل تکریم است با توجه به اینکه بنده پیشنهاد آقای هاشمی برای ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک را نپذیرفتم، به عضویت هیات مؤسس دانشگاه آزاد درآمدم.» هاشمی یک‌بار هم در سفری که به شهرستان نور داشت، به منزل پدری ناطق رفت و از خدمات ناطق تجلیل کرد. ناطق هم در مقابل از هاشمی دفاع و تجلیل کرده است. او در مراسم درگذشت امام‌جمع شهیدان گفته بود: «امروز ببینید با این پیش‌کسوت‌های مبارز مثل آقای هاشمی‌رفسنجانی چگونه برخورد می‌شود درحالی‌که از اول انقلاب کمتر کسی را سراغ داریم که نقش آفرین‌تر از وی باشد.» در واکنش به افسردگی که هاشمی را در ماجرای پذیرش قطع‌نامه از سوی امام متهم به فریبکاری می‌کند از هاشمی دفاع کرده و گفته بود: «امام قطع‌نامه را نپذیرفت، امم‌ای به مجلس نوشت و دلایل پذیرش قطع‌نامه را توضیح داد، در آن زمان آقای هاشمی به امام می‌گوید که اگر به این مرحله رسیده‌اید که قطع‌نامه را قبول کنید و احساس می‌کنید با پذیرش قطع‌نامه انقلاب و شما آسیب می‌بینید بگذارید من مسئولیت آن را بپذیرم و من را بعدا محاکمه کنید تا انقلاب و شما آسیبی بینید.»

نه ناطق و نه هاشمی دیگر سیاست‌مداران دهه ۷۰ نیستند؛ هردو تغییر کرده‌اند. هاشمی اخیرا در گفت‌وگوی خود با «شرق» گفته است: «وقتی می‌بینم با این تندروی می‌خواهند حقوق مردم را ضایع و مردم را مایوس کنند که در انتخابات شرکت کنند یا در مجامع حضور داشته باشند، براساس وظیفه اسلامی، اسانی و انقلابی‌ام وارد می‌شوم. اگر شما تفاوتی احساس می‌کنید، به خاطر این است. اگر مسئول بودم، باید حقوق مردم را مراعات می‌کردم و الان که مسئول نیستم، اگر دیگری مراعات نکند، باید بگویم.» عباس آخوندی، بانجاق ناطق هم درباره تغییرات ناطق‌نوری گفته است: «آقای ناطق تغییرات جدی کرده بودند، از مواضع نحوه اداره مملکت گرفته تا نگاه سیاسی ایشان، در سال۸۸ و در سال۸۴ مواضع خودشان را روشن کرده بودند و بارها اعلام کردند که با آن روند افراطی و رویکرد پوپولیستی که دولت گذشته داشت، موافق نیستند. درواقع آقای ناطق در سال۹۱ یک کارنامه روشن و درخشانی داشتند.»

خبر

نطق بخشایش اردستانی حاشیه‌ساز شد

مشاجره با حداد

بر سر بودجه مؤسسات خاص

● نطق میان‌دستور احمد بخشایش‌اردستانی در جلسه علنی روز گذشته مجلس حاشیه‌ساز شد. نماینده مردم اردستان در مجلس، دیروز در نطق میان‌دستور خود به انتقاد از بودجه‌های اختصاص‌یافته به برخی مؤسسات خاص با عنوان بودجه‌های فرهنگی پرداخت و در این باره گفت: «مجلس هم در گران‌شدن اداره کشور تأثیرگذار است. وقتی از بودجه شش‌هزار و ۱۲ میلیارد تومانی بخش فرهنگ بی‌حساب‌و‌کتاب و بدون هیچ نظارتی حدود ۳۰۰ میلیاردتومان به بنیادهایی همچون بنیاد دغبل خزایی و بنیاد سعدی، حافظ و مولانا از جدول شماره ۱۷ می‌دهیم که فقط حامی آنها نمایندگان ی‌قدرت و پرنفوذ هستند، آیا مجلس مقصر نیست؟» وی همچنین در بخش دیگری از نطق خود تصریح کرد: «را ما می‌پرسند در رژیم صهیونیستی مسئولی به دلیل دریافت رشوه محکوم می‌شود اما در ایران که مدعی بیروی از مولای عدل و عدالت هستی، از این قضایا خبری نیست و معمولا در ایران به متخلفان مالی جایزه هم می‌دهند و آنها را سفیر می‌کنند تا آب از آسیاب بیفتد. هنوز از استیضاح شهردار اصفهان به‌دلیل تخلف‌های مختلف، چند روزی نگذشته است که به واسطه ارتباط جناحی و سیاسی به سمت شهرداری قم منصوب می‌شود و آب این کار دهن‌کجی به افکار عمومی نیست؟» اما پس از پایان نطق بخشایش، حدادعدل در مقابل جایگاه نطق، سراغ او رفت و بحث لفظی میان این دو نماینده بالا گرفت. حدادعدل به‌عنوان مدیر بنیاد فرهنگی «سعدی» از برده‌شدن نام این مؤسسه در تریبون مجلس، ناراضی بود و همین موضوع باعث انتقاد حداد شده بود. کمال‌الدین پیرمؤذن از جلسه نمایندگانی بود که برای خاتمه‌دادن به درگیری لفظی میان دو نماینده تلاش می‌کرد، او دراین‌باره به ایلنا گفت: «آقای بخشایش ظاهرا به حدادعدل قول داده بود که در نطق خود از بنیاد سعدی درباره مسائل مالی نام برده نشود؛ چراکه حدادعدل معتقد به عملکرد مالی شفاف این بنیاد بود. گویا برخلاف این وعده، بخشایش در نطق خود از بنیاد سعدی نام برده و بر عدم‌نظارت مالی بر این بنیاد تأکید کرده که این موضوع مورداعتراض آقای حدادعدل واقع شده است.» پیرمؤذن تأکید کرد: «پس از پایان نطق نماینده اردستان، حدادعدل به نطق وی اعتراض کرد که در مقابل، بخشایش نیز به حدادعدل اشاره کرد و گفت شما در زمینه بنیادهای فرهنگی و مذهبی و اختصاص بودجه به آنها عدالت را رعایت نمی‌کنید. چرا به بنیادهای دیگر بودجه مناسب اختصاص داده نمی‌شود.

در مقابل این صحبت‌ها، حدادعدل نیز پاسخ داد که شما اقتر می‌زنید و این خلاف رویه دین است؛ بخشایش‌اردستانی در مواجهه با این صحبت، حدادعدل را به حضور در پشت تریسون برای مناظره دراین‌باره دعوت کرد که این امر با ندادن نمایندگان خاتمه یافت.» احمد بخشایش‌اردستانی هم درباره این مشاجره به ایرنا گفت: «حدادعدل با انتقاد از نطق من گفت چرا اسم بنیادها را برده‌اید؟ مگر آنها را نمی‌شناختید؟ و از ایمان به دور است که نام این بنیادها را می‌برید. جواب دادم که من آنها را نمی‌شناسم؛ اما به‌نظم یک‌سری نمایندگان پرزور، جدول شماره ۱۷ لایحه بودجه را تنظیم می‌کنند. در این جدول حدود ۵۲ مؤسسه و نهاد هستند که حدود ۳۰۰ میلیارد تومان بودجه دارند، ولی بحث من این است که چگونه از شش هزار و ۱۲ میلیارد تومان بخش فرهنگ در سال جاری ۳۰۰ میلیارد تومان به این نهادهای می‌دهیم که نظارتی بر آنها ندارد؟ هروقت پول بی‌حساب‌و‌کتاب به جایی داده شود، مفسده ایجاد می‌شود و متأسفانه وقتی بنیاد برای همین نمایندگان باشد، پس نمی‌توانید تحقیق‌وتقصص کنید.» وی افزود: «برخی از دوستان ما در مجلس وقتی می‌گویند تذکر شما از ایمان به دور است یعنی اینکه از نظر من شما مؤمن نیستید و انکار باید از آنها مجوز ایمان بگیریم.»

بریده‌اخبار

- نشست ویژه هیات‌رئسه موقت خانه احزاب با معاون سیاسی وزیر کشور/ تسنیم**
- پیام تصویری سید حسن نصرالله به همایش حوزه علمیه قم / شرق**
- پیشنهاد‌های اصلاح اساسنامه خانه احزاب جمع‌بندی می‌شود | ایسنا**
- سخنرانی سیدحسن خمینی در مسجد محمد رسول‌الله(ص) ساونپالولو/ جماران**
- مولوی عبدالحمید: قدرت‌های دنیا در مبارزه با تروریسم با معلول جنگیده‌اند/ ایسنا**
- هاشمی رفسنجانی: رای کافی نداشتن زنان در انتخابات، به جماعت آنان در جامعه بستگی دارد/ ایسنا**
- بازداشت تعدادی از اخلال گران مراسم حرم امام(ره)/ آریا**
- احمد قاضی روزنامه‌نگار و نویسنده کرد در بیمارستان آزادی تهران درگذشت/ ایسنا**

عکس روز

